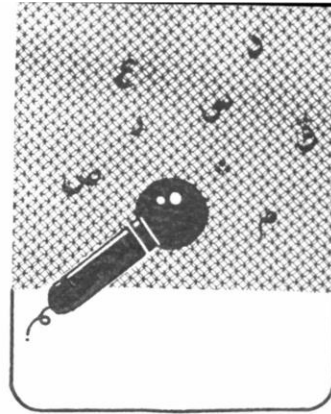




نخستین جشنواره تأثیر کودک و نوجوان همدان

مراسم افتتاحیه این جشنواره در روز جمعه بیست و نهم شهریور ماه، واقع در تالار فجر همدان با قرائت قرآن و سخنرانی دبیر جشنواره آقای صوفی مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان آغاز و پس از اجرای نمایش «خانه ای برای او» از مدرسه هنر و ادبیات قزوین به پایان رسید.

دبیر جشنواره در سخنان خود به امکانات بسیار محدود و زحمات فراوان تشکیلات سازمانی، اشاره داشتند. همچنین با ارائه گزارش مبنی بر تقاضای شرکت چهل و چهار نمایش و انتخاب ۶ نمایش به اطلاع حضار رساندند که همین جمع محدود در اثر مساعدت نهادهای شایسته روزی دست اندرکاران به ثمر رسیده است.

نمایش خانهای برای او، نوشته و کار نادر میرزائی با حضور صمیمانه نوجوانان بازیگر به طرح واقع ای انسانی در جمع کلاس درس، جان بخشید. متن این نمایش با پرداخت مجدد می توانست در شمار بهترین متن های جشنواره باشد نویسنده پیروی از نوشته خود را در طول کارگردانی نیز رعایت کرده بود، موفق به برجسته کردن لحظات درخشان از نمایشنامه خود نشده بود. از همین روی آشفته گی و شلوغی بیش از حد بر صحنه، مانع از درخشش استعداد بازیگران نوجوان شده بود. با این حال حضور بازیگران مستعد در این نمایش، مهمترین حصار حافظ این نمایش بودند.

دومین روز جشنواره، میهمانان برای شرکت در جلسه سخنرانی و نقد و بررسی خانهای برای او در سالن اجتماعات گرد هم آمدند. سخنران خانم کرباسی از استادان دانشگاه بود که درباره

روانشناسی کودک سخن گفت سپس، اولین جلسه نقد و بررسی باریاست آقای بیگلریان تشکیل شد و تا ساعت یازده ادامه داشت. بعد از ظهر، قبل از شروع دومین نمایش جشنواره، شماره اول بولتن روزانه به دست شرکت کنندگان رسید. این بولتن به اهتمام آقای محمد جواد رنجبران خانم آذرو زمانی و همکاری آقایان عطاءاله یوسفی، اسماعیل انصاری، مصطفی اسدی، ایرج شیر و هاشم قهرمانی و خانم ها رویا قربانی و پروین یگانه هر روز با مطالب و اخبار جدید به دست میهمانان می رسد.

دومین نمایش جشنواره بچه های دو محله نوشته اسماعیل فیروزی به کارگردانی محمد رضا وجدیان از انجمن نمایش ازنا، به هنرمندی چهارده تن از نوجوانان بازیگر، به صحنه رفت. متن این نمایش بیش از همه چیز، از طایب بیهوده به زعم آن پراکندگی خاصی دچار زبان شده بود. کارگردان نیز نتوانسته بود بایک باز نگری و استفاده صحیح از نیروها به انسجام نمایشنامه کمک کند.

بچه های دو محله در اوان مراسم عزاداری عاشورا، بعد از مدت ها اختلاف و دعوا، به راهنمایی یکی از صالحترین بچه ها به مسالمت و دوستی می رسند. آنها به یمن این دوستی تصمیم می گیرند عزاداری جانانه ای راه بیندازند.

مهمترین مسئله ای که در این نمایشنامه باعث تحول بچه ها می شود عبرت از حکایت های تاریخی (سرگذشت مسلمانان که در کتب درسی تاریخ مدرسه هست) و همچنین تعذیه حضرت عباس در آیین های مذهبی می باشد.

بازیگران نوجوان این نمایش هم، مانند نمایش روز قبل، آنچه در توان داشتند، به رونق نمایش خود بخشیده بودند. «خانه خرگوش» سومین نمایش این جشنواره بود. این نمایش نوشته و کار رضا نظری از امور تربیتی زنجان است.

روباهی در اثر درددلی و گرسنگی به در خانه خرگوش می آید و او را با سیرنگ به بیرون می کشد و خانه او را تصاحب می کند. خرگوش که قدرت باز پس گیری خانه را در خود نمی بیند از چند حیوان درنده و قوی مانند خرس و پلنگ کمک می گیرد. اما آنها بایک سیرنگ ساده روباه از این طرفداری صرف نظر کرده و به دنبال وعده های دروغین روباه می روند.

خرگوش عاقبت به نزد پیرمرد قصه گوی نمایش می رود. پیرمرد هم با استفاده از طرح فریب روباه به خرگوش می آموزد که چگونه روباه را از خانه بیرون بکشد.

روباه که بیرون می آید پایش در تله پیرمرد گیر کرده می گریزد. نمایش که طرح قصه ای نه چندان ساده است و بر اساس انکاء به نفس شکل موضوعی گرفته بود به خاطر آموزش و موعظه در خلال نمایشی کودکانه، کارکرد روانی خود را از دست می دهد. البته این مشکل تازه ای در تأثیر کودک نیست.

ما هنوز به این نکته ظریف پی نبرده ایم، که کودک دست ما بزرگسالان را در این قبیل مسائل خوانده اند. پس تأثیری که نتواند به درون پر از تحلیل و راز و رمز کودک یا حتی نوجوانان کم سن و سالتر، تنیده شود و از طریق ویژگی های زبانی و روانی خودشان، آنان را به مرحله تحول برساند، از مرتبه صحیح خود نزول می کند. این مشکل البته در نمایش خانهای برای او، کم رنگ تر بود و نمایش را به یک پله بالاتر می رساند.

بعد از ظهر دوشنبه، اول مهرماه، شاهد نمایش «خروس زری» از



چندان مناسب بازیگران، دچار اشکال شده بود. طرح درگیری در قصه و عجیب و نامناسب بودن کاراکتر خروس در کنار گریه، کم رنگ و نامناسب می نمود. نویسنده و کارگردان می بایست پیش از اینکه ذوق خود را در پر کردن صحنه و تنظیم حرکات به اصطلاح خودشان فرم، بیازمایند، به منطق صحیح و دقیق کودکان بپردازند.

کودکان از چگونگی تسلط خروس و نسبت درندگی با گریه به خوبی آگاهند. پس مسلماً از این ترکیب، دچار شوک می شوند، و در مسیر منطقی قصه به ناپاوری هم می رسند.

جلسه نقد و بررسی فردا به دلیل اینکه نمایش فوق چشم سایر شرکت کنندگان را پر کرده بود. به جدل و ایرادهای پنی اسرائیلی انجامید. خوشبختانه در این مورد، رضایان کاملاً آگاهانه عمل کرد. برای او در کارهای بهتر و دقیقتر آینده اش، آرزوی توفیق دارم. در ضمن به دوست هنرمندم که نقش اول نمایش را بازی می کرد، یاد آوری می کنم، دلیل آوردن در مقابل این سؤال که چرا اینقدر بازیگر آورده بودید، به این شکل که چون همگی هنرجوی کلاس نثار بودند و ما می خواستیم ناراحت نشوند دلیل هنرمندانه ای نیست.

سخنران جلسات روز دوشنبه و سه شنبه، آقای آقا محمدی از داوران همدانی جشنواره بودند ایشان در این جلسات پیرامون ویژگی های ادبی، ادبیات کودکان و نوجوانان صحبت هائی داشتند. استقبال از این دو سخنرانی به نسبت سخنرانی های قبلی خیلی کمتر بود.

روز سه شنبه بعد از ظهر، نمایش «بزن فندی» نوشته م- آزاد به کارگردانی علی آریانزاد به صحنه رفت. متن این نمایش بر اساس افسانه قدیمی بز زنگوله به پا و سه کره بز «شنگول و منگول و حبه انگور» نوشته شده بود.

نویسنده در طرح ریزی نمایشنامه به دلیل ناآشنایی با اصول درام نویسی، نمایشنامه ای ضعیفتر و به مراتب کندتر از خود افسانه را نوشته بود.

کارگردان نیز به این ضعف دامن می زد. به شکلی که نمایش، علیرغم بافت صحنه ای و تصویری خود به علت ضعف بازیگران بخصوص بازیگر نقش اول و ریشم بسیار کند و کشدار نمایش خسته کننده و ملال آور شده بود. تا جایی که می توان گفته اگر

سوی اداره گل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان، بودیم. این نمایش که نسبت به دیگر نمایش ها گامی جلوتر به دنیای کودکان نزدیک شده بود، نوشته و کار احمد رضایان هنرمند باسابقه نثار مشهود بود.

مسلم است که انتظار همقطاران از یک همکار، بیش از اینهاست و درستی و سلامت بیشتر کار او در مقایسه با دیگر کارها جای تعجب ندارد.

طرح این نمایش ظاهراً برگرفته از یک افسانه غیر بومی است. خروسی با ایجاد این شبهه که تاج او آتشزا و جادویی است و از این راه می تواند همه چیز را نابود کند، بر تمامی گریه ها حکومت می کند.

روزی در اثر اتفاق گریه ماده ای بچه خود را مأمور می کند برای آوردن آتش و گرم شدن خانه سرد، از فرصت خواب خروس زردی استفاده کند و اندکی هیزم خشک را از تاج او به شعله آتش بگیرد.

بچه گریه به آنجا می رود ولی می بیند تاج خروس سرد سرد است. دست خالی می آید و به مادر خود می گوید. مادر باور نمی کند تا خود امتحان می کند. با فاش شدن دروغ بزرگ خروس، گریه ها بر علیه او می شورند.

نکته ظریفی که نمایش فوق را از دیگر کارهای جشنواره متمایز می کرد، طرح یک حادثه بدون دخالت هیچ چیز دیگری برای بچه ها بود این حادثه به دور از پند و اندرز و هشدارهای معمول به یک تخیل کودکانه، اشاره می کرد. کودک می توانست بعد از همراه شدن با قصه، خودش بدون دخالت پیامزد که هر چیز را کور کورانه نپذیرد. این اندیشه نمایش را به مرحله سنی نوجوانان هم نزدیک می کند و تا اندازه ای می توان صفت کودک و نوجوان را متصف به آن کرد.

اما مسئله چگونگی عملکرد صحیح نمایش، رکن دوم قضیه است. فضا سازی مناسب، ریتم منظم و کاملاً متحرک، تصویر و تصور نزدیک به تخیل، موزیکال بودن، و هندسه محیط شده نور بر صحنه... این نکته ها در هرچه نزدیکتر شدن به ذهن خلاق کودک و نوجوان کمک دهنده هستند و در این نمایش تا حدودی رعایت شده بود. الا ریتم منظم و تصویر و تصور نزدیک به تخیل که البته ترکیب موزیکال شدن نمایش هم با توجه به حرکات نه

زحمت برپا کردن آن دکور مفصل را به خود نداده بودند، هنرمندان (نویسنده و کارگردان و بازیگر اول) بدون هیچگونه ذوق و خلاقیتی، تا رسیدن به تصویرانرژی بچه‌ها مسافتی بس طولانی را عقب مانده بودند.

این نمایش حداقل به یک دگرگونی اساسی نارسیدن به ویژگی مطلوب و به یاد ماندنی افسانه بز زنگوله به پا، نیاز مبرم داشت سخنرانی روز چهارشنبه آقای عمادی از دیگر داوران همدانی جشنواره بود. بعد از سخنرانی ایشان جلسه نقد و بررسی نمایش روز گذشته تشکیل شد.

بعد از ظهر آخرین نمایش جشنواره، به نام «گرگهای نافلاو خرگوش دانا» به صحنه آمد.

دو گرگ گرسنه تصادفاً به هم می‌رسند و چون هردو به دنبال شکار بودند، تصمیم می‌گیرند در اولین شکارشان شریک باشند. خرگوش که به دنبال هویج در جنگل روانه شده، به چنگ آنان می‌افتد. درگیری بر سر شراکت آغاز می‌شود. خرگوش پیشنهاد می‌کند، دو گرگ در مسابقه هویج جمع کردن تکلیف خودشان را بر سر خوردن او، روشن کنند، و گرگ‌ها دست و پای خرگوش را می‌بندند و به سراغ جمع‌آوری هویج می‌روند. خرگوش از بند رها می‌شود و می‌رود. دو گرگ به غفلت خود پی برده، می‌روند. خرگوش باز می‌گردد و تلاش جمع‌آوری هویج آنها بر کوله خویش جمع می‌کند.

نمایش روان و ساده است. بی هیچ دغدغه‌ای پا به عرصه تخیل می‌گذارد. در محتوای وجودی تکرار یک قصه پاره‌ها تکرار شده را رقم می‌زند و به سادگی از کنار این هم می‌گذرد.

ساده‌ترین نوع کار و آنهم بدون زحمت، رخت از حیطه نمایش کودک برمی‌بندد. ساده انگاری دنیای جوان و در حال تحرک تا این حد که به رفع زحمت باشد، دست کم گرفتن خودمان است نه کودک کان.

نمایش کودک کار می‌خواهد. اگر می‌خواهید با کودک کان حرف بزنید، به قول مولوی: پس زبان کودک کی باید گشاد.

زحمت برای نمایش کودک مقوله‌ای است که در نمایش خروس زری به بیراهه‌ها می‌زد. ماحتی در بررسی ارکان نمایش کودک کان، در چگونگی شکل‌گیری فیلم‌های انیمیشن (کارتون) مانند دنیای والت دیسنی مرحوم، زحمت مطالعه به خود نداده‌ایم. فقط یاد گرفتیم تقلید کنیم.

نشانه این تقلیدها را باشد تا در جشنواره سال بعد از روی دستیار (مثلاً) کار خروس زری ببینیم. حتی تا این حد. در کار کودک کان مگر با خود کودک کان به تجربه بنشینیم. وگرنه دست یازیدن به عملی که از عهده‌اش بر نمی‌آیم، خطاست.

مسئله کیفیت در نخستین جشنواره کودک و نوجوان اول از همه به شرکت کنندگان عبرت می‌دهد، تا آگاهانه‌تر گام بردارند.

و دوم به مسئولین هشدار می‌دهد که با برنامه‌ریزی دقیق و حضور دائم کارشناسان و متخصصین مربوطه در جهت توسعه پرورشی برنامه‌ها، شکل بهتر و سازنده‌تری به این جشنواره ببخشند.

شکل کنونی برگزاری جلسات نقد بررسی یا سخنرانی‌هایی که هیچگونه سنجشی با مخاطب کودک و نوجوان ندارند، نه تنها بی‌هوده، بلکه گاه مضر خواهد بود.

محمد رضا - الف



گفتگو با دبیر جشنواره کودک و نوجوان همدان

شعر، ادب، کتاب، کتابخانه و هرگونه فعالیت‌هایی که برعهده ما بود سعی کردیم که مطالبات را در این زمینه داشته باشیم و الحمدلله موفقیت‌هایی را در این زمینه کسب کردیم.

چطور شد که برگزاری این جشنواره به استان همدان محول گردید

● نشاتر کودک و نوجوان نیاز به توجه ویژه‌ای دارد و جایگاهی دارد که آن را اساس حرکت ثباتی می‌داند.

العاده علاقه داشتم. به لحاظ اینکه انقلاب ما انقلاب فرهنگی بود و احساس می‌کردم که رشد تعالی استعدادها، شکوفایی استعدادها توسط مسائل فرهنگی باید صورت بگیرد و بهترین مقوله‌های فرهنگی را هم هنر می‌دانستم، البته تحصیلات خودم هم بی‌ارتباط با مسائل فرهنگی نیست تحصیلات من در زمینه علوم تربیتی هست. گرایش برنامه‌ریزی، مدیریت برنامه‌ریزی و طبیعی است که ارتباطاتی هم دارد. مطالبات را در مقوله‌های مختلف فرهنگی، هنری که به نحوی مرتبط با کار ما بود نمایش، تجسمی،

بنام خدا، خدمت آفاصوفی مدیریت کل اداره فرهنگ و ارشاد استان همدان هستیم و در ابتدا از ایشان خواهش می‌کنیم راجع به خودشان و اینکه چطور شد این مسئولیت را در این منطقه پذیرفتند و کلاً سوابقی که پشتوانه پذیرش این مسئولیت شد مطالبی را توضیح بدهند.

● قبلاً در وزارتخانه بودم، سال ۶۱ به استان آمدم چند سالی را به عنوان قائم مقام اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کار می‌کردم و از سال ۶۳ باین طرف به عنوان مسئول در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شدم. به مسائل فرهنگی، هنری فوق

۳۲ پیکر سال پنجم / شماره پنجاه و پنجاه و یک

وفتی پیشنهاد شد به ما که از مجموعه جشنواره‌هایی که فراست در سطح کشور برگزار شود، کدامش را شما به عهده می‌گیرید، ما پذیرفتیم که جشنواره سراسری تئاتر کودک و نوجوان در استان همدان و در شهرستان همدان برگزار شود. ازدیلیل دیگری که داشت، حب شهر همدان یا استان همدان یکی از معدود استانهایی است که بیشترین قشر جوان را در خودش جای داده و یکی از شهرهای با سابقه فرهنگی و تاریخی است، به عنوان مرکز توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی غرب کشور هست. استعداد های بالقوه‌ای در این استان وجود دارد، جشنواره‌های متعددی را با موفقیت برگزار کرده و مجموع اینها دست بدست هم داد که ما جشنواره سراسری تئاتر کودک و نوجوان را در همدان برگزار کنیم.

در زمینه کار با کودک و نوجوان علی‌الخصوص در زمینه تئاتر استان و کلاً کارشناسان استان چقدر سابقه کاردهی و مفید دارید؟

● ما در سال ۶۶ یا ۶۷ اولین جشنواره منطقه تئاتر کودک و نوجوان را برگزار کردیم، البته آن با موضوع نگاهی به مظلومیت کودک و نوجوانان ما بود که در زیر بمباران‌های وحشیانه دشمن یعنی شهید شده بودند یا مقاومت کرده بودند، فدکاری کرده بودند و می‌خواستیم با آن جشنواره صدای مظلومیت این کودکان و نوجوانان را به جهانیان برسانیم. بعدها کلاس‌هایی را در سطح استان داشتیم برای اقشار مختلف بویژه کودک و نوجوان که توسط کارشناس‌ها آموزش‌های لازم به صورت کوتاه مدت و حتی برخی از آنها بلند مدت.

نمایش‌های مختلفی را هم ما تاکنون داشتیم که حین اجرا آموزش هم بوده یعنی اینکه یک کارگردان که ۲۰، ۱۵، ۳۰ نفر پرسوناژ را، عوامل را در اختیارش می‌گرفته متن و یک نمایشنامه‌ای را که بدست می‌گرفتند که آن نمایش را کار بکنند و اجرا کنند در حین آن به کودک و نوجوان هم آموزش می‌دادند.

پس بر این اساس بیشتر طرح و برنامه ریزی این جشنواره حاضر با مشورت همین کارشناسان استان بوده؟

● البته حالا نمی‌دانم که واقعاً سیاست خود مرکز هنرهای نمایشی چگونه بوده، منتهی حرقه جشنواره کودک و نوجوان در

وزارتخانه زده شد. عرض کردم که ما در سال ۶۶ یا ۶۷ جشنواره کودک و نوجوان را برگزار کردیم، با یاد کودک کان و نوجوانان مظلوم، شاید مثلاً آن الگونی شده باشد برای مرکز هنرهای نمایشی که استان قدم‌هایی را برداشته و آن قدم‌ها را با گزارش‌هایی که به تهران دادیم و تئاتر کودک و نوجوان به عنوان زیربنای کمی و کیفی تئاتر کشور مطرح شد.

البته ما دوست داریم در خلال این جشنواره که در طول سال از طرف مرکز هنرهای نمایشی در خصوص تئاتر برگزار می‌شود به یک مرحله‌ای برسیم حالا نه ایده آل ولی به آن مرحله‌ای برسیم که این جشنواره‌ها یک کاربرد سالانه‌ای داشته باشد و به مرور زمان به درد همین شرکت کنندگان در جشنواره بخورد چون می‌بینیم اکثر جشنواره‌ها در یک دهه یا در یک هفته برگزار می‌شود و وقتی که تمام می‌شد دیگر بدست فراموشی برده می‌شود تا شاید سالی در خانی بالاخره یک کسری دوباره همت کنند و در جشنواره شرکت کند و این رقابت‌ها یک جا مقلی می‌شود.

ولی اینکه این با اصولی که من صحبت می‌کنم لزوماً روی فقر فرهنگی ما از لحاظ تئاتر‌ها کلاً یک هنر، هر غربی ماست و این تئاتر می‌بایست در فرهنگ ما به شکلی خودی در بیاید، حب در این زمینه‌ها جشنواره‌ها می‌تواند خیلی مؤثر باشند با برنامه ریزی‌های دقیقی که از لحاظ کارشناسی دارند می‌توانند بکنند که مثلاً گروه‌ها جمع شوند و آموزش نه تنها در این یک دهه یا هفته باشد بلکه به مرور زمان این بچه‌ها را دریابند در گوشه و کنار این مملکت و اینها را تغذیه کنند.

● بله شما درست می‌فرمائید عرض کنم که جشنواره یک حادثه است، یک رخداد است، یک رویداد است که جرقه ایجاد می‌کند، یک اتفاقی می‌افتد و تمام می‌شود البته خود تئاتر هم همین طوری است، خود تئاتر هم بالاخره یک رخدادی است و یک رویدادی است، یک اتفاقی می‌افتد و بعد تفاوتش با فیلم این است که در زمانش زنده است منتهی فیلم تکرار می‌شود، فیلم می‌ماند، فیلم آرشیو می‌شود، تئاتر این گونه نیست. من اعتقاد و نظر شخصی‌ام این است که جشنواره خوب است، جشنواره انعکاس فعالیت‌های سالانه، ماهانه چند سال هنرمندان یک مجموعه پاپیک منطقه یا یک کشور یا یک دنیا است، منتهی همه‌اش کفایت از معنا نمی‌کند تنها ما توسط جشنواره به اهدافمان نخواهیم رسید، تنها توسط جشنواره به مقصودمان نخواهیم رسید بلکه آن خودش

یک کار است، منتهی همه کار نیست، به اعتقاد من ما باید فرهنگ تئاتری را حاکم بکنیم. این مهم است، عرض کردم که ظرف این ۱۲، ۱۳ ساله بعد از پیروزی انقلاب، ما اگر یک نگرشی داشته باشیم به هنر تئاترمان به اعتقاد من هنوز آغاز راه هستیم، هنوز خیلی کار داریم، تلاش‌های زیادی باید بکنیم، کارشانه روزی باید بشود هم توسط کارگزاران ما و هم توسط هنرمندان، سالن نمایش تنها مشکل تئاتر نیست، بلکه ما در استان‌ها کمبود فضای نمایش داریم، کمبود تکنیک را داریم، منتهی اینها اصل نیست، همه‌اش اینها نیست، ما در خیلی جاها هم سالن نمایش داریم، خیلی جاهای تکنیک داریم، فرم داریم ولی به اعتقاد من فرهنگ تئاتری را نداریم، فرهنگ تئاتری هم فکر می‌کنم که حداقل مادوتا کار باید انجام بدهیم، یکی اینکه آموزش است این مراکز آموزش تئاتر ما در تهران و شهرستانها باید ایجاد شود و یکی هم تحقیق و پژوهش است، ما باید بنیادهایی داشته باشیم یا یک بنیاد داشته باشیم برای تحقیق و پژوهش در امر تئاتر و از آن طرف هم آموزش باید داشته باشیم که هر دو باید وجود داشته باشد. یعنی ما باید تحقیق کنیم، مطالعه کنیم، پژوهش کنیم و ببینیم چه چیزهایی را باید آموزش بدهیم، بر اساس مطالعات انجام شده، بر اساس تحقیقات انجام شده، بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته ببینیم و مراکز آموزش تئاتر را فعال کنیم. الان متأسفانه ما فقط در کشور سه مرکز داریم که اینها آموزش تئاتر می‌دهند یکی فرهنگسرای نیاوران هست و یکی هم دانشکده تئاتر و یکی دانشگاه تهران.

قصده این را داریم که انشاء... تئاتر عروسکی هم در کنارش بگذاریم و باز قصد این داریم که یک سری از کارهای مطرح کشور را به عنوان بخش جنبی در کنار جشنواره مطرح بکنیم. انشاء... در سال آینده تئاتر عروسکی آن هم بر بخش جنبی کارها است و باز به این خاطر عرض کردم که ما می‌خواهیم که در زمان فعالیت مدارس جشنواره برگزار کنیم که ما این اجراها را در مدارس نیز داشته باشیم، می‌دانید که در شهرستان همدان یا استان همدان مدارس متعددی دارد. دبیرستانها و راهنمایی و دبستان‌های متعدد دارد و هر کدام از اینها هم سالنهای متعددی دارد و بر این اساس ما تصمیم گرفتیم که انشاء... دومین جشنواره

را در زمان فعال بودن مدارس و ترجیحاً در مهر و آبان برگزار کنیم که بتوانیم از سالنهای دبیرستانها نیز استفاده کنیم و محصلین نیز بتوانند حضور فعالتری در جشنواره مدارس و در اجراها و نقد و بررسی و برنامه‌های آموزشی داشته باشند.

س: بنظر شما الگوهای کاربردی که در کشورهای اروپایی در زمینه تئاتر دارند بخصوص تئاتر کودک و نوجوان که بسیار کوبنده است چقدر ما می‌توانیم از آنها استفاده کنیم؟

● مابراساس ارزش‌های حاکم در جامعه‌مان باید از قالب‌ها استفاده کنیم، محتوی را ارزش دهیم. مابا تکنیک مخالف نیستیم، با قالب مخالف نیستیم، با چهارچوب‌ها مخالف نیستیم، منتهی محتوی را نباید فراموش کنیم که متناسب با ارزشهای غنی اسلامی باشد. نظر شخصی خودم اینست که همه قالبهای پسندیده و پذیرفته شده را در جامعه و در دنیا استفاده کنیم. ما نمی‌توانیم بگوئیم چون ماشین چاپ را استکبار می‌سازد پس چیز بدیست، ماشین چیز خوبیست ولی چه چیزی را چاپ کنیم این مهم است. ما می‌انیم مطابق با ارزشهای خودمان روزنامه و مجله و بهترین چیزهایی که مطابق با اهداف خودمان است چاپ می‌کنیم و نشریه‌هایی را مطابق اهداف خودمان چاپ می‌کنیم. بنابراین ماشینی که جهان صنعتی سرمایه‌داری ساخته در خدمت اهداف خودمان بکار می‌بریم. بنا بر این آن قالبهایی را که دنیا برای هنر بویژه هنر تئاتر و علی‌الخصوص هنر تئاتر کودک و نوجوان یافته و بهش پی برد، استفاده می‌کنیم، منتهی محتوی را باید مطابق اهداف خودمان باشد بعبارتی ظرف را مطابق مظهر و خودمان استفاده می‌کنیم.

بانشکر از اینکه وقتشان را در اختیار ما گذاشتید اگر چنانچه صحبتی دارید بعنوان مسئول یکی از برنامه‌های هنری کشور می‌توانید در اختیار ما بگذارید؟

● من همانطور که عرض کردم مشکل ما، مشکل تکنیکی نیست، مشکل ما مشکل سالن نیست، ضمن اینکه مشکل کمبود سالن، یکی از مشکلات ماست منتهی مشکل اصلی ما نیست بنا بر این من هم از مقامات تصمیم گیر هنری و فرهنگی کشور و هم از هنرمندان تقاضا دارم به ۲ مقوله بپردازند که اگر دیر بجنبیم عقب می‌افتیم و ضرر

۳۴ **نظر** / شماره پنجاه و پنجاه و یک

می‌کنیم. ۱- یکی بحث آموزش است تشکیل واحدها و مراکز آموزش است که در قالب مراکز آموزش عالی و چه در قالب مراکز دبیرستانی، امیدوارم همچنانکه هنرستان تجسمی داریم، هنرستان موسیقی داریم، هنرستان نمایشی نیز داشته باشیم. ما رشته‌های کاردانی نمایشی را باید تربیت کنیم و در سطح کشور گسترده کنیم. در استان همدان ما این آمادگی را داریم هم هنرستان نمایشی راه بیاندازیم و هم اینکه رشته کاردانی در همدان راه بیاندازیم.

۲- تحقیق و مطالعه و پژوهش در مورد تئاتر و نمایش با توجه به پشتوانه غنی تئاتر، نمایش، رمان، سابقه بر منصب ما دارد سابق بر اقتصادات ما و از سویی از هنرمندان هم این انتظار را داریم که به لحاظ اینکه تئاتر زنده و حرکت آفرین است، حرکت ساز و تئاتر عنصر فرهنگی است باینجه جهت رشد و تعالی افشار مختلف مردم تناسب با ارزشهای فرهنگی ما، متناسب با ارزشهای فرهنگ بومی ما، متناسب با ارزشهای فرهنگ قومی ما، متن بنویسند، نمایشنامه بنویسند که ما در این زمینه فوق العاده نقص داریم، کمبود داریم و متناسب با اینها نمایش اجرا بکنیم.

الحمد!... حرکت‌های خوبی در سطح کشور شروع شده ما اخیراً شاهد اجراهای خوبی هستیم، جشنواره‌های متعددی دارد برگزار می‌شود، این جشنواره‌ها توسط هنررگان و نهاد و سازمانی که برگزار می‌شود، البته به شرطی که مطابق با معیارها و ضوابط باشد خیلی خوب است و ارزشمند است، اجراهای خوبی را ما داشتیم در جشنواره‌های بین المللی جمهوری اسلامی شرکت کرد و موفقیت‌هایی بود، همین شرکت در جشنواره آوینیون موفقیت‌هایی دارد. برگزار می‌شود در دوسلدورف آلمان که قسمتی از آن به نمایش اختصاص داشت، برگزاری جشنواره‌های کشوری که در قیل از انقلاب هم حتی سابقه نداشته که در استانها جشنواره سراسری را در استانها برگزار کنند، این موفقیت خوبی است برای هنر جمهوری اسلامی، برای تئاتر جمهوری اسلامی، در استان همدان ما تا به حال جشنواره‌های متعدد استانی را برگزار کردیم جشنواره متعدد منطقه‌ای را برگزار کردیم، جشنواره سراسری تئاتر را برگزار کردیم. ما این آمادگی را داریم در استان همدان که علاوه بر جشنواره سراسری تئاتر کودک

و نوجوان جشنواره سراسری دیگری را برگزار کنیم. پتانسیل خوبی وجود دارد در استان ۰۰۰ ما سالن‌های خوبی در استان داریم و در شهرستان همدان داریم و در استانهای دیگر، این سالن‌ها کمتر هست، یا اساساً برخی از استانها این سالن‌ها را ندارند، تجربیات خوبی همکاران ما در برگزاری جشنواره‌ها کسب کردند، ما هم اینک مشغول احداث مجتمع فرهنگی - هنری با سالنهای متعدد نمایش برای کودک و نوجوان و بزرگسال هستیم در همدان، ملایر، تویسرکان، حتی اسدآباد، ما انشاء... کلتنگ احداث مرکز تئاتر شهرستان را در سال جاری بزمین خواهیم زد.

مصاحبه با آقای محمود فرهنگ داور جشنواره



خدمت آقای محمود فرهنگ هستیم از داوران اولین جشنواره تئاتر کودک و نوجوان استان همدان. از ایشان خواهش می‌کنیم راجع به شکل گیری این برنامه و این جشنواره، در خلال جشنواره‌هایی که از طرف مرکز در سراسر کشور برگزار می‌شود یک مقدار توضیح بدهند و اینکه نظر خودشان را راجع به اینکه چطور می‌شود با تئاتر کودک و نوجوان یک گام مؤثری در تئاتر کشور برداشت.

بسم الله الرحمن الرحيم. خیلی متشکرم از اینکه فرصتی پیش آمد راجع به تئاتر کودک و نوجوان یک صحبتی داشته باشیم. جای جشنواره‌ای به نام کودک و نوجوان عموماً در بین جشنواره‌های کشورمان خصوصاً جشنواره‌هایی که مرکز هنرهای نمایشی برگزار می‌کند خالی بود. مدتها بود که این مرکز در صدد این بود که این جشنواره را برگزار بکند و همدان هم مستعد

بود و علاقمند بودند به عنوان بانی خیر این کار، این کار را تقبل کردند و آهسته آهسته طی برنامه ریزی هایی که داشتند همدان را مرکز این کار قرار دادند و یک بکته مهمی هم که بود این است که در این ماه گذشته چند جشنواره با هم تلافی کرده بود این هم یک مقدار تأثیر در مسئله تبلیغات این جشنواره گذاشت. که کمتر اجازه رشد به این جشنواره داد که شاید در سیاست گذارهای سال آینده بشود یک تغییری به وجود آورد که احیاناً جشنواره با شکل بهتری برگزار بشود. اما جشنواره کودک و نوجوان به نظر من مهمترین بخش نشان کشور ما را می تواند در برداشته باشد یعنی اگر ما سرمایه گذاری روی نشان کودک و نوجوان کردیم در نهایت آینده نشان خودمان را بیمه کردیم یا توجه به اینکه نسل امروز ما با نسلهای گذشته بسیار متفاوت است چون حواسه ها و بینش و نگاه ها و تمام خصوصیات نشان خیلی تغییر پیدا کرده و نیازهای بیشتری هم نسبت به نسل گذشته و کودک و نوجوان گذشته دارد. به این جهت هنر نشان به عنوان یک وسیله بسیار با هویت و با ارزش می تواند خیلی از مشکلات کودک و نوجوان را از سر راه بردارد و راهگشا باشد و کمک و یار تربیت کنندگان کودک در جامعه ما باشد. گو اینکه خب متأسفانه در این سیزده سال آن طور که باید و شاید ما نتوانستیم به هنر کودک و نوجوان برسیم علی الخصوص نشان که در یک بازار آشفته ای قرار داشت که تلاهایی شده اما چون سیاست گذاری مدونی نداشته، برنامه مدونی نداشته به اینجهت به یک جای خاصی نرسیده که به نظر می رسد ما خیلی راه پیش رو داریم.

به نظر شما چقدر دید کارشناسی روی برنامه ریزی نشان کودک و نوجوان در این جشنواره بوده؟

عموماً نشان کودک و نوجوان ما نه تنها در این جشنواره بلکه کل کشور ما بیشتر خود جوش است یعنی اگر کاری از آموزش و پرورش نباید با توجه به تجربه، خود جوشی علاقه و استعداد یک مربی یک نمایش شکل می گیرد. گاهی اوقات هم مواجه با این می شویم که یک مربی یک کلاس نشان بزرگسال دیده و همان تجربه اش را در قالب کودک و نوجوان که بسیار هم ضرر آفرین است به کار می گیرد و یک نمایشی شکل

می گیرد. البته هستند بعضی از استانها هم که کار کودک و نوجوان کردند اما باز هم همین معضل اینکه یک فردی که به عنوان کارگردان پایک مربی هست ما این معضل را داریم که طرف در واقع آنچه را که در نشان حرفه ای، در نشان بزرگسال یاد گرفته همان را در واقع به بچه ها القاء می کند که این نه تنها گریبانگیر این جشنواره است بلکه همه در واقع نشان ما را در بر می گیرد. آنچه که من در این یکی دو روز در بر می گیرم. آنچه که دیدم، دیدم که عموماً کارها خود جوش بودند، صداقتی در آنها هست، صداقتی که بسیار موج می زند، علاقمند هستند، زحمت کشیدن، اما واقعش حرفشان حرف کودک و نوجوان نیست. حرفها، حرفهای بزرگترهاست. موضوعها موضوعها کودک و نوجوان نیست و در واقع در یک مقوله دیگری دارند سیر می کنند. در حالی که کار نشان کودک و نوجوان یا با کودک و نوجوان هست. سال آینده باید ببینیم که مسئولین برگزار کننده جشنواره و خود مرکز انشاالله برنامه ریزی های دقیقی دارند و اگر دارند باید اثرش را در اجراها ببینیم، ببینم آیا آن کارشناسی لازمی را که امسال با احیاناً برگزاری جشنواره داشتند سال آینده این آیا واقعاً دقیقاً انجام می گیرد آیا سرمایه گذاری بیشتری روی آن می کنند که امیدوار هستیم این طوری بشود.

چند وقت پیش شما با گروهی به کشور کانادا برای شرکت در جشنواره شرکت کردید از مشاهداتی که در آن جشنواره به طور عملی داشتید یک مختصری برای مانو ضیح بدهید.

آن بخشی که بیشتر سختی دارد با این بحثی که کردیم بخشی بود که در ارتباط با کودک و نوجوان در جشنواره بود. هم یکی از پرتماشاجی ترین جشنواره ها است که امسال قریب به ۵۰/۰۰۰ نفر بیننده داشت. و نکته جالبش این بود که هزار و پنجاه اجرا در این جشنواره برگزار می شد واقعاً هم شگفت انگیز بود. در طول همین ۷ روز قسمت اعظمی از این کارها در خیابان اجرا می شد و تعداد خیلی زیادی هم در سالنهای نمایش. در کنار جشنواره جهانی یک بخشی برای کودک و نوجوان بود که از جمله چیزهای دیدنی که در واقع بحث انگیز و شگفت انگیز برای ماها که از

حاصله همه ما خارج بود این که فضاهای مختلفی برای بچه ها انتخاب کرده بودند از جمله یک فضایی بود که بچه ها می رفتند و حیوان مورد نظر خودشان را آنجا که لباسهایش آویزان بود می دیدند، انتخاب می کردند و با مشورت پدر و مادرشان و بعد می رفتند می نشستند و زیر دست یک گریمر و این آقا و خانم گریمر اینها را با سلیقه و دلخواه خود آن کودک با رنگهای مورد نظر و دلخواه کودک گریمر می کرد آنها به آن فضای نمایش برمی گشتند لباس مورد نظر را می پوشیدند و پدر مادر هم همان لباس را که خودشان می خواستند می پوشیدند و وارد یک نمایش ناخواسته ای می شدند و مربیها حالا یک یادو نفر که بودند با تعداد ۵۰ یا ۶۰ تا کودک یک قصه ای را آغاز می کردند که این قصه ممکن بود یک یادو ساعت طول بکشد و کودک آزادانه، راحت و بدون اینکه کسی به او بگوید که چکار بکند با خلاقیت و استعداد خودش سعی می کرد در واقع حرکات آن حیوان مورد نظر را آنجا انجام بدهد و در آن نمایش به آن به اندازه ای که نیاز بود نقش را ارائه بدهد. این در واقع یک کار عملی ای بود که ما آنجا با آن آشنا شدیم دیدیم که جداً بدون اینکه یک کلمه حرف بزنند با کودک ارتباط برقرار می کردند. یک بخش دیگر یک کارگاههایی بودند که این کارگاههایی بود با مقدار خیلی زیادی سنگریزه، پارچه رنگ مقوا، کاغذهای رنگی چسب و انواع مختلف مدادهای رنگی و ماژیک. بچه ها وارد آن کارگاه می شدند و آن شکلهای مورد نظری که علاقمند بودند بسازند با کمک مربی آنجا می ساختند.

ممکن بود از صبح تا ظهر طول بکشد اما مربیها با حوصله می نشستند تا آن بچه ها با روزنامه عروسک های مختلفی را می ساختند عروسکهای عظیم الجثه ای که شاید مثلاً کودک ۴ یا ۵ روز می آمد آنجا و کار خودش را تکمیل می کرد. باز یک بخش دیگری بود که ساختن خانه بود بچه ها وارد آن محوطه می شدند یک کارتنی در اختیار آنها بود که آن کارتن در کنارش یک مربی ایستاده بود و هرطوری که کودک می گفت قسمتهایی که کودک می خواست با ماژیک خط می کشید اگر در میخواست مثلاً همانجا را برایش میسپردند، پنجره می خواست با ماژیک می کشیدند و در واقع

کودک با سلیقه، فکرو ذهن خودش، آن ذهن فانتزی خودش خانه مورد نظر خودش را با آن کارتن می‌ساخت و بعد مدتها در آن بازی می‌کرد و بازیهای مختلفی بچه‌ها با هم داشتند و بعد هم گروه بعدی که ممکن بود مثلاً بعد از ظهر نوبت آنها می‌شود می‌آمدند و این ساختن خانه صدها از این کارتنها پشت سر هم می‌گذاشتند و بچه‌ها داشتند با اینها کار می‌کردند یک بخش جالب دیگر بخش کارهای خیابانی کودک و نوجوان بود. بازیگر بسیار قوی اینها می‌آمدند در خیابان و از بین تماشاچی‌های کودک یک کودک را انتخاب می‌کردند و با او صحبت می‌کردند و یک نمایشی، یک ساعت ونیمه را با همراهی

و کمک این کودک برای تماشاچی اجرا می‌کرد و این کودک این قدر راحت کارش را انجام می‌داد که آدم فکر می‌کرد که این یک بازیگر حرفه‌ای است و اینجا در واقع آن شناخت، ابتکار و به قول معروف تخصص آن بازیگری را که این کودک را فرا میخواند ایجاد و محرز می‌شد که چقدر دقیق می‌آمد با بچه اول ارتباط برقرار می‌کرد و چیزهایی که می‌خواست خیلی چیزهای ساده‌ای بود ولی آشنا با دنیای کودک بود یعنی تضادی با دنیای بچه نداشت که احیاناً نتواند انجام بدهد و ساعتها این برنامه‌ها ادامه داشت. به هر حال با توجه به نگاه برنامه ریزهای بخش کودک و نوجوان جشنواره آدم به این نتیجه می‌رسد که

آنها در کارشان واقعاً عمل دارند یعنی دیگر از حرف زدن گذشتند و فقط عمل می‌کنند امیدوار هستیم که روزی برسد که ما در جشنواره‌های کودک و نوجوان مان بیشتر به عمل پردازیم تا به حرف زدن ما بعد از سیزده سال باید سرانجامی به هنر کودک و نوجوان مان بدهیم که با این آشنایی که در این مدت وجود داشته، البته کار واقعاً شده خیلی‌ها هم زحمت کشیدند. امانیاز کودک و نوجوان ما خیلی بالاست. بیش از اندازه است به خاطر بیش از اندازه بودنش هم می‌بلعد چون می‌بلعد ما احساس می‌کنیم واقعاً چیزی وجود نداشته گرسنگی و نیاز کودک و نوجوان این قدر هست. از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید خیلی متشکرم.

